

تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران

آیت الله عباس کعبی

عنوان پژوهش

تحلیل مبانی اصل هفدهم قانون اساسی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۵۹

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۰/۲۲



شناسنامه

عنوان:

تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران
تحلیل مبانی اصل هفدهم قانون اساسی
آیت‌الله عباس کعبی

تحقیق و تنقیح: محسن ابوالحسنی

ویراستار تخصصی: علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۵۹

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۱۰/۲۲

پژوهشکده شورای نگهبان



تحلیل مبانے نظام جمہوری اسلامے ایران

تحلیل مبانے اصل هفدهم قانون اساسے

فهرست مطالب

مقدمه.....	۳
مبحث اول: بررسی مبانی فقهی انتخاب تاریخ رسمی جمهوری اسلامی ایران.....	۴
گفتار اول: مبانی فقهی انتخاب هجرت به عنوان مبدأ تاریخ در جمهوری اسلامی ایران.....	۴
گفتار دوم: علت اعتبار توأمان تاریخ هجری شمسی و قمری در کشور.....	۷
مبحث دوم: بررسی مبانی فقهی تعطیلی رسمی روز جمعه.....	۸
گفتار اول: مبانی فقهی تعطیلی یک روز در هفته.....	۸
گفتار دوم: مبانی فقهی انتخاب روز جمعه به عنوان تعطیل رسمی.....	۱۰
جمع بندی.....	۱۳
منابع.....	۱۴

اصل هفدهم - مبدا تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام ﷺ است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است.

مقدمه

فصل دوم قانون اساسی که در پی بیان بعضی از مسائل شکلی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی است، پس از بیان زبان و خط رسمی کشور و جایگاه زبان عربی در اصول پانزدهم و شانزدهم، اصل هفدهم را به تاریخ و تعطیلی رسمی کشور اختصاص داده است. هر کشوری تقویم رسمی داشته و مناسبت خاصی را به عنوان مبدا تاریخ رسمی خود بر می‌گزیند. امروزه در دنیا در کنار صدها گاه شماری محلی که گسترش زیادی ندارد، اکثر کشورهای جهان از تقویم میلادی که تقویم بین‌المللی به شمار می‌رود، استفاده می‌کنند که در آن مبدا تاریخ، میلاد حضرت عیسی مسیح ﷺ است. در بسیاری از کشورهای اسلامی علاوه بر تاریخ میلادی، از تاریخ هجری نیز استفاده می‌شود و از جمله در کشورهای ایران، افغانستان و عربستان سعودی، تاریخ رسمی کشور بر اساس تاریخ هجری است. مبدا تاریخ هجری، هجرت پیامبر اسلام ﷺ در سال سیزدهم بعثت از مکه به مدینه است.

تقویم‌ها در کشورهای دنیا به غیر از این که از نظر مبدا تاریخ رسمی با یکدیگر اختلاف دارند، در مبنای محاسبه نیز دارای تفاوت هستند. در تقویم‌هایی هم چون هجری قمری، مبنای محاسبه تقویم، حرکت ماه و در تقویم‌های شمسی هم چون هجری شمسی مبنای محاسبه، حرکت خورشید است.^(۱)

در این اصل، مبدا تاریخ رسمی جمهوری اسلامی ایران، هجرت پیامبر اسلام ﷺ قرار داده شده است و تاریخ هجری شمسی و قمری، به صورت توأمان معتبر شده است؛ هرچند با تأکید بیشتری بر هجری شمسی، مبنای کار ادارات دولتی بر این تقویم قرار داده شده است. به علاوه، روز جمعه نیز به عنوان تعطیلی رسمی کشور قرار داده شده است. در این بخش از تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به اصول قانون

۱. برای مطالعه دقیق در این باره ر.ک: پایگاه اطلاع رسانی مرکز تقویم موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران
به نشانی: <http://calendar.ut.ac.ir/Fa>

اساسی، در مبحث اول در زمینه تاریخ رسمی جمهوری اسلامی ایران، ابتدا علت انتخاب هجرت پیامبر ﷺ به عنوان مبدا تاریخ رسمی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه درباره دلیل اعتبار توأمان تقویم‌های هجری شمسی و قمری مباحثی مطرح می‌شود. در مبحث دوم نیز که به موضوع مبانی فقهی تعطیلی رسمی روز جمعه اختصاص دارد، تعطیلی یک روز در هفته در منابع فقهی مورد بحث قرار گرفته و پس از آن مبنای انتخاب جمعه به عنوان تعطیلی رسمی بررسی می‌شود.

مبحث اول: بررسی مبانی فقهی انتخاب تاریخ رسمی جمهوری اسلامی ایران

همان گونه که در مقدمه مورد اشاره قرار گرفت، مبدا تاریخ رسمی کشور هجرت پیامبر اکرم ﷺ قرار داده شده است و ضمن اعلام تاریخ هجری خورشیدی به عنوان مبنای کار ادارات دولتی، تاریخ‌های هجری شمسی و هجری قمری به صورت توأمان در کشور معتبر شمرده شده‌اند. در دو گفتار آتی به شرح و بسط این دو موضوع خواهیم پرداخت.

گفتار اول: مبانی فقهی انتخاب هجرت به عنوان مبدا تاریخ در جمهوری اسلامی ایران

سابقه انتخاب هجرت به عنوان مبدا تاریخ اسلامی به صدر اسلام بر می‌گردد. در میان مورخان درباره این که اولین بار چه کسی هجرت پیامبر اکرم ﷺ از مکه به مدینه را که در ربیع الاول سال سیزدهم بعثت^(۱) رخ داد، مبدا تاریخ در اسلام قرار داد، اختلاف نظر وجود دارد. بعضی از مورخان معتقدند در سال هفدهم هجری خلیفه دوم به دلایلی به این نتیجه رسید که یک مبدا برای تاریخ اسلام قرار دهد. در نهایت از میان نظرات مختلف صحابه از تولد پیامبر اکرم ﷺ یا بعثت ایشان و ... با مشورت حضرت علی علیه السلام هجرت پیامبر از مکه به مدینه مبدا تاریخ قرار گرفت.^(۲) طبق نظر دیگری که به صواب نزدیک تر است، وضع مبدا تاریخ در دوران اسلامی در دوران حیات پیامبر ﷺ و توسط خود ایشان انجام شده است و آنچه در دوران خلیفه دوم انجام شد، تنها انتخاب ماه محرم به عنوان ماه اول سال قمری بوده است.^(۳)

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات کتابچی، چ ۵، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۲۴.
۲. ابن کثیر، النهایه و البدایه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ هـ.ق، ج ۷، ص ۷۳ و ۷۴.
۳. العاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، تهران: سحرگاهان، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۷۸ (قابل دسترسی در سایت: yon.ir/sahihisire تاریخ مشاهده: ۱۳۹۴/۶/۷)

بنابر این نظر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هجرت را مبدا تاریخ در اسلام قرار دادند. پیامبر صلی الله علیه و آله به دلایل مختلفی از مکه به مدینه هجرت فرمودند تا با تشکیل حکومت اقدام به گسترش و ابلاغ اسلام نمایند. بدین معنا هجرت را می‌توان نقطه آغاز تحول در تاریخ بشریت برای تشکیل حکومت بر پایه اسلام دانست. پس تاریخ هجری تاریخ حکومت اسلام نیز تلقی می‌گردد که توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وضع شده است. شاید یکی از اهداف ایشان از وضع این تاریخ آن بوده که با این کار تاریخ‌های با مبدا دوران جاهلیت و هر چیزی که نشانه‌هایی از آن دوران دارد را برچیده و نشانه‌های اسلامی را جایگزین آن‌ها نمایند. اگر با این دید به موضوع نگریسته شود، اقدام نظام جمهوری اسلامی ایران در انتخاب مبدا تاریخ حکومت اسلامی به عنوان مبدا تاریخ رسمی، اقدامی در خور تحسین و شایسته خواهد بود.

بررسی همه جانبه انتخاب هجرت به عنوان مبدا تاریخ در دوران اسلامی گویای این نکته است که نمی‌توان انتخاب مبدا هجرت برای تاریخ در دوران اسلامی را تشریعی از سوی شارع مقدس دانست؛ به این معنا که همه مسلمانان در همه حکومت‌ها تا قیامت مکلف به استفاده از مبدا تاریخ هجری برای همه تعاملات در نظام‌های سیاسی خود باشند.

با این وجود و بنا بر مطالب فوق، اگر چه از نظر شرعی حکومت لزوماً نیابتی اقدام به انتخاب چنین مبنایی نماید، اما به دلایلی که در ادامه بیان خواهد شد، تبعیت از این مبدا تاریخی دارای اولویت جدی خواهد بود که قانون اساسی هم به همین منوال عمل نموده و این مبنا را به درستی برگزیده است.

دلیل اولی که در انتخاب مبدا تاریخ هجری می‌توان قابل توجه دانست، تأسی به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تبعیت از الگوی عملی ایشان است؛ چنان که ایشان به عنوان الگوی حسنه در قرآن به همه مسلمانان معرفی شده‌اند.^(۱) تبعیت از پیامبر صلی الله علیه و آله در انتخاب مبدا تاریخ رسمی مورد استفاده در حکومت، هم از این باب که تبعیت از

۱. سوره احزاب آیه ۲۱: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا.

قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

سنت ایشان در حکومت اسلامی است، شایسته بوده و هم از این جهت که این اقدام در حفظ ریشه‌های تاریخی اسلامی موثر است، عامل مؤید دیگری بر این اولویت خواهد بود.

یکی دیگر از دلایلی که برای این اقدام می‌توان برشمرد، نقشی است که عواملی هم‌چون تاریخ رسمی در هویت‌سازی برای جامعه ایفا می‌کند. همه مواردی که در فصل دوم قانون اساسی به آن‌ها اشاره شده است، اعم از خط و زبان و تاریخ و پرچم، از عواملی هستند که در هویت یک جامعه موثر بوده و گوشه‌ای از این هویت را تشکیل می‌دهند. انتخاب تاریخ رسمی بر اساس اسلام و اتفاقاتی که در دوران اسلامی افتاده است، گویای ماهیت حکومتی است که داعیه دار حکومت اسلامی است. همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با وضع این قانون در پی این بوده‌اند که تاریخ جاهلیت را از سطح جامعه پاک کنند و نشانه‌ای از نشانه‌های جاهلیت در جامعه اسلامی باقی نماند، انتخاب تاریخ هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان تاریخ رسمی نیز نشان دهنده عقبه‌ای است که حکومت اسلامی از آن نشأت گرفته و دنباله روی آن خواهد بود.^(۱) این فلسفه انتخاب باعث می‌شود تاریخ هجری نیز خود به عنوان یکی از نمادهای اسلامی، در زمره شعائر اسلامی به حساب آید^(۲) و نیز رسمیت بخشیدن به مبدا غیر از تاریخ هجرت، تلاشی برای تضعیف اسلام تلقی گردد. بر همین اساس تغییر تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی در سال ۱۳۵۵ با اعتراض جدی علما رو به رو شده و امام خمینی ره استعمال آن را برای عموم حرام اعلام کردند^(۳)، چرا که تاریخ جدید مقدمه‌ای برای محو اسلام تلقی می‌شد.

پس در مجموع می‌توان گفت که برای انتخاب مبدا هجری برای تاریخ رسمی در نظام جمهوری اسلامی ایران، تشریعی از جانب خداوند صورت نگرفته است که الزامی به پذیرش آن باشد، ولی به دلایلی که ذکر شد، هم‌چون تأسی به الگوی پیامبر

۱. بدیهی است که با چنین رویکردی اگر تاریخ را یکی از اجزاء هویت یک جامعه و حکومت بدانیم، انتخاب مبدا تاریخ مثلاً میلادی بر مبنای میلاد حضرت مسیح علیه السلام برای نظام جمهوری اسلامی ایران، محل تامل خواهد بود که با دیگر اجزای هویتی جامعه هم‌خوانی ندارد.

۲. درباره شعائر اسلامی در بخش بعدی به صورت مبسوط تری بحث صورت گرفته است.

۳. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه‌ی امام؛ مجموعه آثار امام خمینی ره تهران: موسسه مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، پاییز ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۷۱.

اکرم علیه السلام و هویت سازی که از این طریق صورت می گیرد و تبدیل شدن تاریخ هجری به عنوان یکی از شعائر اسلامی در جامعه، انتخاب هجرت پیامبر اکرم علیه السلام به عنوان مبدا تاریخ در کشورمان اقدامی شایسته و دقیق بوده است.

گفتار دوم: علت اعتبار توأمان تاریخ هجری شمسی و قمری در کشور

اصل هفدهم قانون اساسی اگر چه تاریخ هجری شمسی را مبنای کار ادارات دولتی معرفی می نماید، اما هر دو تاریخ هجری شمسی و قمری را معتبر می شمارد. نکته اول در این باره این است که همان گونه که در گفتار قبل بیان شد، تشریعی از جانب خداوند برای مبدا تاریخ رسمی وجود ندارد و از این رو بنا بر مصالح و اولویت هایی که وجود داشته، این اقدام صورت گرفته است. حال که اصل هجری یا غیر هجری بودن تاریخ رسمی کشور تشریعی نیست، پس به طریق اولی درباره این که هجری شمسی یا قمری یا هر دو آن ها در جامعه معتبر باشند نیز نمی توان در شرع به دنبال پاسخ گشت و قانون گذاران اساسی کشورمان به دلایلی که از آن ها صحبت شد، هر دو تاریخ شمسی و قمری را در جامعه معتبر دانسته اند.

علت اعتبار هجری شمسی در جامعه و مبنا قرار دادن آن برای فعالیت های دولتی را باید رواج آن در جامعه دانست. قانون گذاران اساسی کشورمان از آن جا که در جامعه، در سال های گذشته، تاریخ هجری شمسی رواج داشته است، برای تسهیل کار مردم، این تقویم را به عنوان مبنای عملکرد قرار دادند. اما از آن جا که تقویم هجری قمری نیز در موارد متعددی در روند فعالیت های جاری جامعه تاثیر گذار است، این تقویم نیز به رسمیت شناخته می شود. تاثیر تقویم قمری را در موارد متعددی می توان مشاهده نمود. از یک سو، تقریباً نیمی از تعطیلی های رسمی کشور، بر اساس مناسبت هایی است که بر اساس تقویم قمری رخ داده اند^(۱) و هر سال به خاطر اختلاف تقویم هجری شمسی و قمری، جایگاه آن ها در تقویم شمسی تغییر می یابد. پس چنانچه تقویم هجری قمری اعتبار نداشته باشد، تکلیف این مناسبت های مذهبی در تقویم رسمی کشور نامشخص خواهد بود. از سوی دیگر وجود احکام و هنجارهایی

۱. اعیاد غدیر و قربان و فطر و مبعث پیامبر اکرم علیه السلام و تعطیلی های به مناسبت ولادت یا شهادت معصومین علیهم السلام در تقویم کشور از این دسته اند.

نظیر روزه‌داری و یا تغلیظ دیه در موارد خاص^(۱)، باعث می‌شود تا نیاز به تقویم هجری قمری در کنار تقویم هجری شمسی در زندگی عادی مردم و تکالیف دستگاه‌های دولتی، هم چنان احساس شود و بتوان به صراحت از اقدام قانون‌گذاران اساسی کشورمان در اعتبار توأمان تقویم‌های هجری شمسی و قمری دفاع نمود.

مبحث دوم: بررسی مبانی فقهی تعطیلی رسمی روز جمعه

جمله پایانی اصل هفدهم قانون اساسی بیان می‌کند که تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است. آنچه در این باره محل توجه است از یک سو بررسی این نکته است که آیا در اسلام و در منابع فقهی چیزی تحت عنوان تعطیلی رسمی یکی از روزهای هفته وجود دارد؟ یعنی در سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت، روزی از روزهای هفته تعطیل بوده است؟ و حال به هر دلیلی اگر قرار بر انتخاب روزی به عنوان تعطیل رسمی در هفته وجود داشته باشد، مبنای انتخاب روز جمعه برای این موضوع چیست؟ آیا دلیلی برای این انتخاب وجود دارد و یا این که صرفاً یکی از روزهای هفته به این موضوع اختصاص داده شده و تفاوتی میان آن‌ها نیست. در گفتارهای آتی، این دو موضوع به بحث گذاشته خواهد شد.

گفتار اول: مبانی فقهی تعطیلی یک روز در هفته

امروزه در همه کشورهای دنیا این موضوع پذیرفته شده است که حداقل یکی از روزهای هفته در کشور به عنوان تعطیل رسمی شناخته شود. این تعطیل هفتگی در کشورهای گوناگون روزهای متفاوتی است، اما در اکثر کشورهای دنیا که تقویم میلادی تقویم رسمی ایشان بوده و بر همین اساس روز یکشنبه به عنوان تعطیل رسمی شناخته می‌شود و در بعضی کشورها، این تعطیلی در روز جمعه است. پیش از بحث درباره این که آیا تعطیلی روز جمعه دارای موضوعیت هست یا خیر باید از علت تعطیلی یک روز در هفته سخن گفت. آیا چنین موضوعی در منابع فقهی و سنت دارای سابقه هست یا خیر؟

۱. هرگاه رفتار مرتکب و فوت مجنی^۱ علیه هر دو در ماه‌های حرام «محرم، رجب، ذی القعدة و ذی الحجه» یا در محدوده حرم مکه، واقع شود، خواه جنایت عمدی خواه غیرعمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک سوم دیه نیز افزوده می‌گردد. (ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)

بررسی منابع تاریخی مؤید این امر است که در دوران صدر اسلام، چیزی تحت عنوان تعطیل هفتگی اعم از جمعه و یا غیر جمعه وجود نداشته است که در آن دستگاه حکومت همه تعطیل بوده و کار در آن روز در جامعه به حالت تعلیق درآید. حتی برعکس درباره روز جمعه که به عنوان تعطیلی مسلمانان در افواه عمومی مشهور شده است، قرائنی بر فعالیت و کار و تلاش وجود دارد.^(۱)

مهم ترین قرینه در این زمینه در سوره جمعه مشاهده می شود. در آیات پایانی این سوره که به بحث نماز جمعه می پردازد، به عموم مسلمانان امر می شود که هنگامی که ندای نماز جمعه بلند می شود، به سوی نماز بشتابند و تجارت را رها کنند.^(۲) صراحت این دستور در این آیه باعث شده است تا برای تجارت در زمان اقامه نماز جمعه عنوان خاص «بیع وقت النداء» را قرار دهند و حکم به حرمت آن در شرایط خاصی نمایند.^(۳) آیه بعد در همان سوره^(۴) نیز اجازه ادامه فعالیت تجارت پس از اقامه نماز جماعت را می دهد تا از فضل خداوند در روی زمین استفاده نمایند.^(۵) همین نهی از تجارت و اجازه

۱. سخنان آقایان محمد جواد حجتی کرمانی و ناصر مکارم شیرازی در: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱، صص ۵۹۹ و ۶۰۰.

۲. سوره جمعه آیه ۹: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

ای کسانی که ایمان آورده اید، چون برای نماز جمعه ندا در داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید، و داد و ستد را واگذارید. اگر بدانید این برای شما بهتر است.

۳. توضیح آن که در صورتی که نماز جمعه بر افراد واجب عینی باشد همانند دوران حضور امام معصوم علیه السلام، به فتوای فقها خرید و فروش در زمان اقامه نماز حرام می گردد. (موسوی خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل (محشی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۸، ۱۴۲۴ هـ.ق، ج ۱، ص ۸۶۳)

۴. سوره جمعه آیه ۱۰: فَإِذَا قُضِيَ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جويا شوید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید.

۵. اگر چه در این جا، اجازه داد و ستد پس از نماز جمعه با صیغه امر بیان شده است، اما در مواردی که مولا ابتدا از چیزی که در گذشته واجب و یا مستحب و یا مباح بوده نهی کند و پس از مدتی دوباره به آن کار امر نماید، به آن امر، «امر عقیب حظر» می گویند که این امر موجب وجوب مساله برای مکلف

به انجام این فعالیت ها، به نوعی خود قرینه ای است بر این که در صدر اسلام، روز جمعه تعطیل نبوده و مثل سایر ایام، در زمره روزهای کار و فعالیت مردم بوده است.

پس بررسی منابع تاریخی و روایی گویای این نکته است که هیچ دلیل فقهی برای تعطیلی یک روز در هفته وجود ندارد. حال سوالی که مطرح می شود این است که آیا با توجه به این عدم وجود مبنای فقهی، حاکم اسلامی می تواند چنین تصمیمی بگیرد و یکی از روزهای هفته را تعطیل رسمی اعلام نماید؟

پاسخ این سوال مثبت است. اگر چه در مطالب قبلی بیان شد که نص شرعی بر تعطیلی یک روز هفته وجود ندارد، اما این بدین معنا هم نیست که حاکم حق چنین کاری ندارد و این کار از نظر شرعی ممنوعیت دارد. این امر از مسائل اجتماعی است که حاکم جامعه می تواند برای رعایت مصلحت اجتماع و مردم، با دلایلی هم چون تحکیم بنیان های خانواده، افزایش بهره وری نیروی انسانی جامعه و ... یکی از روزهای هفته را به عنوان تعطیل رسمی برگزیند. پس این اقدام قانون گذار اساسی در قرار دادن یک روز به عنوان تعطیل رسمی، تدبیری از سوی حاکمیت در جهت منافع و مصالح جامعه است و از نص شرعی خاصی استنباط نشده است.

گفتار دوم: مبانی فقهی انتخاب روز جمعه به عنوان تعطیل رسمی

در گفتار قبل گفته شد که حاکم اسلامی طبق مصلحت، تصمیم به تعطیل نمودن یکی از روزهای هفته گرفته است. اما در انتخاب این که کدام روز را به عنوان روز تعطیل قرار دهد، چه باید کرد؟ آیا دلیل فقهی برای آن وجود دارد؟

همان گونه که بیان شد تعطیلی یکی از روزهای هفته برگرفته از شریعت نیست. لذا از آن جا که تعطیلی روزی از روزهای هفته منصوص از جانب شارع نیست، حتما درباره روز آن نیز چیزی وجود ندارد. بر این اساس حاکمیت، درباره روز تعطیل هم صاحب تصمیم است؛ اما به دلایلی که از آن ها سخن گفته خواهد شد، انتخاب روز جمعه بر سایر روزهای هفته به عنوان روز تعطیل را می توان اولی دانست.

روز جمعه در دوران قبل از نزول اسلام روز غروب نامیده می شده است.^(۱) درباره این که اولین بار در چه زمانی «جمعه» نامیده شده اختلاف وجود دارد. بعضی گفته اند که انصار پیش از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه جمع شده و گفتند همان گونه که یهودیان و مسیحیان روزهایی - شنبه و یکشنبه - برای جمع شدن و پرستش خداوند دارند، ما هم روزی را قرار دهیم که در آن جمع شده و ذکر خداوند نماییم.^(۲)

در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ روز جمعه به عنوان یکی از چهار عید بزرگ مسلمین و برتر از عید فطر و قربان دانسته شده^(۳) و سید الایام و سرآمد روزها نام گرفته است که خصلت های منحصر به فردی دارد. یکی از آن ها این است که در آن روز ساعتی است که بنده از خدا چیزی را نمی خواهد مگر این که به او عطا می شود جز آن که چیز حرامی را درخواست کند.^(۴) در منابع فقهی و روایی برای این روز مجموعه ای از اعمال و آداب مستحب ذکر شده که مهم ترین آن ها اقامه نماز جمعه است.^(۵) به غیر از اعمال و آداب عبادی، بسیاری از اعمال شخصی در این روز مستحب دانسته شده است.^(۶) و به رسیدگی به خانواده و شاد کردن آن ها در این روز سفارش شده است.^(۱)

۱. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح، آیات الاحکام، تهران: انتشارات نوید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ج ۱، ص ۲۱۷.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ج ۳، ۱۳۷۲،

ج ۱۰، ص ۳۴۱

۳. عن النبی ﷺ: الجمعة سید الایام واعظمها عندالله تعالی و هو اعظم عندالله من یوم الفطر و یوم الاضحی ... (حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ هـ.ق، ج ۷، ص ۳۸۱ و ۳۸۲).

۴. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الخصال، ترجمه ی یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۲،

ج ۱، ص ۴۵۹

۵. درباره وجوب عینی یا تخییری نماز جمعه در دوران غیبت امام معصوم ﷺ میان فقها اختلاف است. علمایی مانند ملا محسن فیض کاشانی با نگارش کتابی از وجوب عینی نماز جمعه دفاع می کنند (فیض کاشانی، ملا محسن، الشهاب الثاقب فی وجوب صلاة الجمعة العینی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۲، ۱۴۰۱ هـ.ق) در مقابل اکثر فقهای معاصر حکم به وجوب تخییری آن در زمان غیبت داده اند. (موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم: موسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۱)

۶. در روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در روز جمعه باید زینت کرده، غسل کنید و بوی خوش استعمال کنید و موهائتان را شانه زنید و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوشید و با چنین آراستگی خود را برای نماز جمعه آماده سازید. (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر

از این رو با توجه به مجموعه اعمال و آدابی که در روز جمعه وضع شده است، به نظر می‌رسد چنانچه حاکمیت قصد تعطیل کردن یکی از روزهای هفته را داشته باشد، روز جمعه از اولویت بیشتری برخوردار باشد؛^(۲) چرا که روزهای دیگر کمتر از این آداب و سنن برخوردارند و تعطیل کردن یکی از آنها و فعال بودن مردم در روز جمعه، احتمالاً باعث ترک این آداب و اعمال و فضیلت‌ها می‌گردد. پس نتیجه بحث این‌که اصولاً میان این‌که چه روزی از روزهای هفته تعطیل باشد، نسی از جانب شارع نرسیده است و تفاوتی میان جمعه و روزهای دیگر وجود ندارد. اگر چه به علل دیگری که بیان شد، انتخاب روز جمعه به نظر اولی می‌رسد. اما علی‌رغم این عدم تفاوت میان روزهای هفته، چنانچه تعطیلی روزهای شنبه یا یکشنبه، به نوعی ذیل مفهوم تشبه به کفار^(۳) و ترویج فرهنگ غربی قرار گیرد و تعطیل کردن روز یکشنبه هم چنان‌که در بعضی از کشورهای اسلامی صورت گرفته، به معنای تغییر در سبک زندگی عمومی جامعه و حرکت به سمت سبک زندگی غربی تلقی گردد، در این صورت حکم مسأله تغییر کرده و به خاطر این دلیل حاکم اسلامی نمی‌تواند این روزها را به عنوان روز تعطیل در جامعه اسلامی اعلام نماید. در غیر این صورت چنانچه در بدو امر چنین تصویری رایج نبوده و این فرض کمتر محتمل باشد، انتخاب هر کدام از روزهای هفته تفاوتی نداشته و دست حاکمیت در انتخاب روز تعطیل هفتگی باز است.

غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم، (۱۴۰۷)

۱. از امام صادق علیه السلام نقل شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به خانواده خود در هر روز جمعه چیزی از میوه و گوشت بدهید تا آنان به آمدن جمعه خوشحال باشند. (ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ج ۲، ص ۸۹)

۲. سخنان شهید سید محمد حسینی بهشتی در: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان، ص ۶۰۰.

۳. در منابع فقهی تشبه به کفار در هر موضوعی اعم از صورت و رفتار و نشان‌ها و شعارها و علائم و ... نفی و به شدت نهی شده است. (لاری، سید عبدالحسین، مجموعه مقالات، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۸ هـ ق، صص ۲۰۹ و ۲۱۰) برای مطالعه بیشتر درباره مباحث فقهی مربوط به حرمت تشبه به کفار ر.ک: خرازی، سید محسن، تشبه به کفار و پیروی از آنان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، بی‌تا، ج ۱۵، صص ۲۵ تا ۴۰.

جمع بندی

اصل هفدهم قانون اساسی بیان کننده دو موضوع در نظام جمهوری اسلامی ایران است. در صدر اصل، هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان مبدا تاریخ رسمی کشور معین شده و ضمن مبنا دانستن تقویم هجری شمسی در ادارات دولتی، هر دو تقویم هجری شمسی و قمری را در کشور معتبر دانسته است.

انتخاب هجرت به عنوان مبدا تاریخ در دوران اسلامی، اگر چه مطابق شواهد موجود به احتمال زیاد اولین بار توسط خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت گرفته است، اما از آن برداشت نمی شود که این اقدام تشریعی بوده و برای همه مسلمانان و همه حکومت های اسلامی در طول تاریخ لازم الاتباع باشد. اما به دلایلی هم چون تأسی به الگوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نقشی که تاریخ در هویت یک جامعه دارد و در زمان کنونی تاریخ هجری تبدیل به یکی از شعائر اسلامی شده است، انتخاب این مبدا صحیح و دقیق به نظر می رسد. حال با توجه به این که درباره اصل مبدا تاریخ، تشریعی صورت نگرفته است، در مورد نوع تقویم مورد استفاده نیز الزام شرعی وجود ندارد و قانون گذار با توجه به سابقه استفاده از تاریخ هجری شمسی از باب مصلحت و تسهیل امور، این تاریخ را به عنوان مبنای کار ادارات دولتی قرار داده است. همچنین با توجه به نقش تقویم هجری قمری در زندگی روزمره مردم از جمله تعطیلات رسمی و قواعدی نظیر تغلیظ دیه که بر مبنای آن در نظام حقوقی و جزایی کشورمان ایجاد شده است، تقویم هجری قمری را نیز به درستی در کشور معتبر دانسته اند.

ذیل اصل نیز روز جمعه را به عنوان تعطیلی رسمی معرفی نموده است. بررسی سابقه تعطیلی رسمی در منابع فقهی گویای این نکته است که مسأله ای تحت عنوان تعطیلی یکی از روزهای هفته به صورت دائمی، در دوران صدر اسلام وجود نداشته است و تشریعی در نفی یا ایجاب آن وجود ندارد. اما امروزه در همه کشورهای دنیا، حکومت ها بر اساس مصالحی یکی از روزهای هفته را به عنوان تعطیل هفتگی قرار می دهند. با این پیش فرض، اگر قرار بر انتخاب یکی از روزها به عنوان روز تعطیل در جامعه اسلامی باشد، روز جمعه به جهت فضیلت خاص خود و هم چنین مجموعه ای از اعمال و آداب وارد شده در آن دارای اولویت خواهد بود؛ تا بدین ترتیب مردم بتوانند حداکثر استفاده را از فضیلت های این روز بنمایند.

منابع

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱. منابع فارسی

کتاب

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الخصال، ترجمه‌ی یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۲، ج ۱
۲. لاری، سید عبدالحسین، مجموعه مقالات، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۸ هـ.ق
۳. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹
۴. موسوی خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل (محشی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۸، ۱۴۲۴ هـ.ق، ج ۱
۵. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه‌ی امام؛ مجموعه آثار امام خمینی رحمه الله، تهران: موسسه مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، پاییز ۱۳۸۷، ج ۳

مقالات

۶. خرازی، سید محسن، تشبه به کفار و پیروی از آنان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، بی تا، ج ۱۵، صص ۲۵ تا ۴۰.

اسناد

۷. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: اداره‌ی کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱

نرم افزارها

۸. نرم افزار جامع اصول فقه نسخه ۲
۹. نرم افزار جامع الاحادیث نسخه ۳,۵
۱۰. نرم افزار جامع فقه اهل البیت علیهم السلام نسخه ۲
۱۱. نرم افزار نور السیره نسخه ۲

پایگاه‌های اینترنتی

12. <http://calendar.ut.ac.ir/Fa>
13. <http://ghbook.ir>

۲. منابع عربی

کتاب

۱۴. ابن کثیر، النهایه و البدایه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ هـ، ج ۷
۱۵. ابن هشام، السیره النبویه، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات کتابچی، چ ۵، ۱۳۷۵، ج ۱
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه‌ی آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ هـ، ج ۷
۱۷. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح، آیات الاحکام، تهران: انتشارات نوید، ۱۴۰۴ هـ، ج ۱
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چ ۳، ۱۳۷۲، ج ۱۰
۱۹. العاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، تهران: سحرگاهان، ۱۳۷۷، ج ۴
۲۰. فیض کاشانی، ملا محسن، الشهاب الثاقب فی وجوب صلاه الجمعة العینی، بیروت: مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات، چ ۲، ۱۴۰۱ هـ
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم، ۱۴۰۷
۲۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه‌ی مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، ج ۱

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود
را ایفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir